



Statistics and analysis of the implications of civilizational insight in cultural policymaking

Mohammad Hadi Homayoon*

Mohammad Reza Borzouee**

Abdolkarim Khayami***

Hadi Ghiasi Fathabadi****

Abstract

The comparison of the two concepts of cultural policy and civilizational insight will reveal the implications of civilizational studies in cultural policymaking. Therefore, this research seeks to answer the question, "What are the implications of civilizational vision in cultural policymaking?" And to answer this question, it examines the implications of civilizational insight using the opinion of experts and the foundation's data methodology. Based on the findings of the research, time-space expansion, meanings, epistemic foundations, objectivity, order, integrity and civilizational dynamics are considered the most important indicators of civilizational insight. The use of civilizational insight in the field of policy-making and government intervention in the field of culture refers to the application of a macro and comprehensive view of civilization in the analysis of cultural issues, which pays attention to both the epistemological foundations behind these issues, as well as the various social systems that surround each issue. It should pay attention to the harmonious and dynamic form of objectivity that it finds in you and not forget the identity of the meaning that the problem creates, spreads and promotes with itself. Based on the results of the research, it is emphasized that the one-voice, centralized and unifying government on the one hand and the passive, restraining and neutral government on the other hand with a civilizational approach in cultural policy-making, which, while being concerned with guiding the society's life, emphasized awareness and discretion. And listening and respecting different cultural tastes is inconsistent.

Keywords: Culture, Civilization, Civilization vision, Cultural politics.

* Full Professor at Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

homayoun@isu.ac.ir

0009-0006-7535-4817

** Associate Professor, Faculty of Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

borzouei@isu.ac.ir

0000-0002-0482-0685

*** Assistant Professor of Culture and communication of Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

ak.khayami@isu.ac.ir

0000-0001-8276-8045

**** Ph.D in Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran

(Corresponding author).

hadi.ghiasi@gmail.com

0000-0001-6058-9118

دلالت‌های بینش تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی

محمدهادی همایون*

محمد رضا برزویی**

عبدالکریم خیامی***

هادی غیائی فتح‌آبادی****

چکیده

نسبت‌سنجی دو مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی و بینش تمدنی، پرده از دلالت‌های مطالعات تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی برخواهد داشت. از این‌رو این پژوهش به دنبال پاسخ به این مسئله است که «دلالت‌های بینش تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی چیست؟» روش گردآوری اطلاعات مطالعه اسنادی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از صاحب‌نظران و برای تحلیل اطلاعات از روش‌شناسی داده‌بنیاد استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، بسط زمان - مکانی، معانی، مبانی معرفتی، عینیت، نظم، یکپارچگی و پویایی تمدنی مهم‌ترین شاخصه‌های بینش تمدنی به حساب می‌آیند. استفاده از بینش تمدنی در حوزه سیاست‌گذاری و مداخله‌گری دولت در عرصه فرهنگ، اشاره به کاربست نگاه کلان و فراگیر تمدنی در تحلیل مسائل فرهنگی دارد که هم به مبانی معرفتی در پس این مسائل توجه داشته باشد، هم نظامات اجتماعی مختلفی که پیرامون هر مسئله به صورت هماهنگ و پویا عینیتی تودرتو می‌یابد را مورد توجه قرار بدهد و هم از هویت معنایی که مسئله با خود خلق، اشاعه و ترویج می‌کند، غافل نباشد. بر اساس نتایج پژوهش، تأکید بر این است که دولت تک‌صدا، متمرکز و تصدیگر از طرفی و دولت منفعل، بازدارنده و خنثی از طرف دیگر با رویکرد تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی که در عین دغدغه هدایت بستر زندگی جامعه، بر آگاهی، اختیار، گفت‌وگو و احترام به سلیقه‌های فرهنگی مختلف بنا می‌شود، ناسازگار است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، تمدن، بینش تمدنی، سیاست‌گذاری فرهنگی.

* استاد تمام دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

homayoun@isu.ac.ir

** دانشیار دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

borzooei@isu.ac.ir

*** استادیار دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

ak.khayami@isu.ac.ir

**** دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

hadi.ghiasi@gmail.com

مقدمه

بررسی زندگی انسان‌ها در طول تاریخ نشان‌دهنده این واقعیت است که وجود حکومت، عنصر ضروری حیات اجتماعی انسان‌ها بوده است. حکومت‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی در راستای تحقق نظم در جامعه نقش‌آفرینی می‌کنند. «ابعاد نظری این موضوع در نظریه‌پردازی‌های اولیه در باب حکومت و دولت، همانند آثار افلاطون و ارسطو و فارابی قابل مشاهده است؛ اما می‌توان توجه جدی به این موضوع و کم‌وکیف آن را متعلق به دورانی پس از نگاه‌های انتقادی تفکر لیبرالیسم و مدعای آن در باب ممنوعیت ایفای نقش دولت در عرصه فرهنگ دانست. سیاست روش کلی، رهنمود و تدبیر برای نیل به اهداف و اداره امور می‌باشد و چهارچوبی ذهنی است که راهبرد در قالب آن شکل می‌گیرد» (خواجه سروری و بیات، ۱۳۹۶، ص. ۳۸). سیاست‌گذاری در عرصه فرهنگ هر جامعه با توجه به اندیشه و فرهنگ حاکم بر آن جامعه صورت‌بندی خاص خود را می‌گیرد.

تحلیل پدیده‌های اجتماعی با توجه به لایه‌لایه بودن آن‌ها در سطوح متفاوتی صورت می‌پذیرد. تمدن اشاره به بزرگ‌ترین واحد تحلیل اجتماعی دارد و تحلیل تمدنی فراگیرترین سطح تحلیل اجتماعی به حساب می‌آید. از آنجاکه تمدن نوین اسلامی چشم‌انداز مطلوب زندگی مدنظر اسلام است، سیاست‌گذاری فرهنگی در جامعه اسلامی باید ناظر به تمدن نوین اسلامی باشد. صرف ارائه یک الگوی ارزیابی کلان و نظام‌مند برای سیاست‌های فرهنگی سبب منظم‌شدن تحلیل مسائل فرهنگی مختلف می‌گردد و از شناسایی و پاسخ به مسائل ذیل منافع افراد و تابع ایدئولوژی ذی‌نفعان جلوگیری می‌شود. اگر این الگو با رویکردی جامع و نظام‌مند تهیه گردد از خطای در شناسایی، دسته‌بندی، اولویت‌بندی و گزینش مسائل جلوگیری می‌کند. همچنین از آنجایی که سیاست‌گذاری تمدنی تحلیل مسائل با کلان‌ترین واحد تحلیلی می‌باشد، در تمامی عرصه‌های مختلف جامعه کاربرد خواهد داشت.

استفاده از نظام معنایی تمدن در حوزه فرهنگ و سیاست‌گذاری فرهنگی، فرایند متمایزکننده و درعین‌حال همگون‌سازی است که کارکردی دوگانه دارد. یعنی درعین‌حال که موجب همگرایی و اتحاد بیشتر بین هویت‌های فرهنگی متفاوت

می‌گردد، واگرایی و به جستجوی هویت متمایز رفتن و در نتیجه گفت‌وگوی بین هویت‌های مختلف را نیز در یک جامعه افزایش می‌دهد. درون‌مایه‌ها و کارکردهای مشخصی که به صورت کمابیش پیوسته با مفهوم تمدن پیوند دارند بازتاب مسائلی هستند که شیوه‌های متغیر تعریف کردن و به‌کار بستن مفهوم فرهنگ و به تبع آن سیاست‌گذاری فرهنگی را صورت‌بندی می‌کنند. دلالت‌های حوزه معنایی تمدن و بینش تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی، دلالت‌هایی قابل تأمل و جستجو است. از این رو این پژوهش به دنبال پاسخ به این مسئله است که «دلالات‌های بینش تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی چیست؟» و برای پاسخ به این پرسش به استخراج شاخصه‌های بینش تمدنی با استفاده از نظر صاحب‌نظران و واکاوی دلالت‌های آن در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی می‌پردازد.

۱. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر پژوهش‌های مربوط به مطالعات تمدنی خصوصاً تمدن نوین اسلامی رشد زیادی داشته است؛ اما هیچ‌یک به ارتباط مطالعات تمدنی با حدود مداخله دولت در فرهنگ نپرداخته است. در ادامه برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های نزدیک به مسئله پژوهش حاضر اشاره می‌شود: جهان‌بین و معینی‌پور (۱۳۹۳)، در مقاله «فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» به تبیین نظر رهبر معظم انقلاب در باب لوازم پیشینی تحقق دولت، جامعه و تمدن اسلامی پرداخته‌اند و در نهایت ۴ گام تولید نظریه توسط حوزه علمیه؛ تولید علم توسط دانشگاه؛ کاربرست در سطح خرد توسط گروه‌های خودجوش نخبگانی و گفتمان‌سازی که نهایتاً به تطبیق دولت و چهارچوب‌های آن با چهارچوب‌های دینی می‌انجامد را پیشنهاد داده‌اند.

محمدرضا بهمنی (۱۳۹۸)، در کتاب «عیار تمدنی جمهوری اسلامی ایران» به دنبال پاسخ به این سؤال بوده که آورده‌های تمدنی جمهوری اسلامی ایران چه بوده است و پاسخ آن را در سه ضلع نظریات پشتیبان انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن، اسناد بالادستی به وجود آمده در گذشته نظام اسلامی و کارنامه عملی و تجربه تمدنی شکل گرفته در جمهوری اسلامی و در هشت مسئله تمدنی با رویکرد «امت‌محور» جستجو

کرده است. این کتاب با نگاه به جنبه‌های عمدتاً نرم و انسانی تمدن به‌خصوص محوردانستن امت اسلامی به‌مثابه مفهوم هادی در مقاله آغازین «مفهوم‌شناسی امت»، بررسی خود را طی هشت مقاله بعدی در موضوعات «مواجهه تمدنی با غرب»، «جریان مقاومت»، «مدیریت اقوام و مذاهب»، «اسلامی‌سازی علوم انسانی»، «مناسک امت‌ساز حج»، «مردم‌سالاری دینی»، «الگوی پیشرفت» و «دوگانگی نهاد علم» با بررسی اسناد و اقدامات جمهوری اسلامی در هر موضوع به انجام رسانده است.

محمدهادی همایون (۱۳۹۸)، در کتاب «چهلستون تمدن؛ مبانی حکمی تمدن نوین اسلامی» با رویکرد قرآنی، روایی و خصوصاً نگاه توحیدی به‌مراتب هستی‌شناختی به بیان مسیر تاریخ در نگاه قرآن با محوریت نقش امام پرداخته تا بتواند در ۴۰ باب و ستون، نظریه تمدن نوین اسلامی را در نگاهی کاملاً مستقل از مبانی موجود تمدنی و در چهارچوبی معنادار و هماهنگ تقویت کند.

بهمنی (۱۳۹۴)، در رساله دکتری با عنوان «الگوی سیاست‌گذاری مناسبات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام با رویکرد تمدنی (سیاست‌پژوهی موردی: ایران و ترکیه)» به این مسئله پاسخ داده است که «ابعاد و مؤلفه‌های مفهومی رویکرد تمدنی امت‌محور برای اعتلای الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام کدامند؟». برای پاسخ به این سؤال پس از بررسی چیرستی رویکرد تمدنی، شبکه‌ای مفهومی متشکل از ۱۲ دلالت قرآنی و روایی، ذیل سه مقوله مفهومی شامل هویت و اعتبار مشترک، دین و باورهای اعتقادی و سلوک و سبک همزیستی برای تبیین رویکرد تمدنی امت‌محور استخراج شده است.

رسول نوروزی فیروز و فضه خاتمی (۱۳۹۹)، در کتاب «تمدن و جهانی شدن» با ترجمه مقالاتی برگزیده به معرفی مسائل پیش‌روی تمدن در عصر جهانی‌شدن پرداخته‌اند که برخی از آن‌ها به ماهیت تمدن و جهانی شدن و برخی دیگر به فرایند و نوع تعامل این دو؛ البته با خوانشی متفاوت، ارتباط پیدا می‌کند.

حبیب‌الله بابایی (۱۳۹۹)، در کتاب «تنوع و تمدن در اندیشه اسلامی» به دنبال راهی الهیاتی برای فهم مسئله «تنوع» خاصاً تنوع فرهنگی در صورت‌بندی تمدن توحیدی بوده است تا مشکل «یکی و چند» را در اندیشه تمدنی اسلام حل نماید. همان‌طور که

مشاهده می‌شود پژوهش‌های انجام شده بیشتر ناظر به کلیت تمدن نوین اسلامی و فرایند آن بوده و به جز یک مورد به‌طور مشخص ناظر به تأثیر مطالعات تمدنی و بینش تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی پژوهش مستقلی صورت پذیرفته است. در مورد پژوهش رساله دکتری با عنوان «الگوی سیاست‌گذاری مناسبات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام با رویکرد تمدنی (سیاست‌پژوهی موردی: ایران و ترکیه)»، باید گفت پژوهش حاضر از نظر موضوع و مسئله مشابه این پژوهش است؛ اما روش و مطالعه موردی این دو پژوهش متفاوت است. همچنین روش و شیوه استخراج مؤلفه‌های بینش تمدنی نیز متفاوت است.

۲. چهارچوب مفهومی

۲-۱. تمدن

تمدن یعنی انتظام نمودن و اجتماع اهل حرفه. برخی دیگر از لغت‌شناسان آن را به معنای خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان دانسته‌اند (میرصادقی، ۱۳۹۰). تمدن معنای مجازی هم دارد: تربیت و ادب. تمدن در زبان‌های اروپایی از لاتین civis به معنای شهروند برآمده است. پیشاهنگ واژه civilization در زبان انگلیسی مصدر civilize بوده است که در اوایل قرن هفدهم میلادی در انگلستان رواج یافت. به یک اعتبار معنای تازه واژه سیویلیزاسیون ترکیبی است خاص از اندیشه‌هایی که با یک فراگرد مرتبط می‌شوند و موقعیت و شرایطی کسب شده را می‌نمایند. در پشت آن روح کلی روشنگری قرن هجده با تأکید بر پیشرفت دنیوی با اتکا به عقلانیت خود بنیاد قرار دارد. در اواخر قرن هجده پیوند معنایی واژه سیویلیزاسیون با تهذیب آداب و رفتارها هم در انگلیسی و هم در فرانسوی امری عادی به‌شمار می‌رفت. در همین دوران‌ها بود که بعضی از تقابل میان سیویلیزاسیون و فرهنگ سخن به‌میان آوردند. تمدن را امری دنیوی و فرهنگ را شامل آداب و فضایل اخلاقی توصیف می‌کردند (پهلوان، ۱۳۹۰).

مطالعات تمدنی در جهان غرب پس از جنگ جهانی دوم گسترش پیدا کرد. «از دهه ۱۹۶۰ علاقه جدید به تحلیل تمدنی، به‌ویژه با آثار علمی نوربرت الیاس (۱۹۷۷)، بنجامین نلسون (۱۹۸۱) و آیزناشتات (۲۰۰۰)، به‌وجود آمد. این مباحث در زمینه تغییر ژئوپلیتیکی از تمدن‌های غربی به غیرغربی و بحث‌های مربوط به مدرنیته ترکیبی در

یک زمینه برجسته در جامعه‌شناسی بین‌المللی و جهانی توسعه یافته است» (Willfried Spohn, 2011, p. 24). تمدن‌پژوهی و مطالعات پیرامونی آن در نظام علمی غرب، سابقه‌ای دیرینه دارد و رویکردهای متفاوت و گوناگونی درباره آن موجود است. رویکردهای فلسفه نظری، جامعه‌شناختی راهبردی، توصیف تاریخی و مطالعات اختصاصی تمدن اسلامی را در تاریخ مطالعات اسلامی در غرب، می‌توان مشاهده کرد (بارانی و میرمحمدی، ۱۳۹۱).

اهالی علوم دقیقه می‌گویند هرچه بر «بعد» افزوده شود درک آن نیز دشوارتر می‌شود، به گونه‌ای که ذهن مرکب باید جایگزین نوع بسیط‌اش شود. می‌گویند تصور بیش از «سه بعد» در اجسام ممکن است؛ اما به غایت دشوار. به گمانم برخی واژگان هم از همین جنس هستند و از سه بعد هم، گذشته‌اند. واژه چندبُعدی‌ای چون تمدن یکی از آنهاست. به قدری تعاریف متکثر و مقوله‌بندی‌های متعددی از ابعاد مختلف در مورد تمدن ارائه شده که گاه به نظر می‌رسد بیش از آنکه باعث زدودن ابهام شود، بر ابهام افزوده شده است. افزون‌براین برخی واژه تمدن را مترادف با واژه فرهنگ گرفته‌اند. واژه‌ای که خود به مراتب داستانی مغشوش‌تر از تمدن دارد. باین احوال می‌توان تعاریف و دیدگاه‌های مختلف در مورد تمدن را در چند مقوله گنجانده (اباذری و دیگران، ۱۳۹۰). مفهوم تمدن در این پژوهش به معنای «ظهور و بروز در یک یا چند جامعه، بر اساس طرز تفکری روشن که شکل معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه را به مقصد موردنظر می‌رساند» (غلامی، ۱۳۹۶، ص. ۳۱) است.

۲-۲. فرهنگ

سیر تاریخی تکامل تعریف واژه فرهنگ نشان‌دهنده این امر است که جزء دو سه کلمه‌ای در زبان انگلیسی است که پیچیده‌ترین معنا را دارد (گوردن، ۱۳۸۳، ص. ۶۶). اهمیت تعریف مبنا از فرهنگ در این است که تعریف سیاست‌گذاران امور عمومی از فرهنگ، تأثیری مستقیم بر تدوین و اجرای سیاست‌ها دارد (همایون و جعفری هفتخوانی، ۱۳۸۷). برخی معتقدند «فرهنگ مجموعه‌ای است از سه نظام که تعیین‌کننده رفتار انسان‌هاست: نظام افکار یا باورها، نظام نهادهای بیانگر و نظام

جهت‌گیری‌های ارزشی با جنبه وحدت‌بخشی» (اجلالی، ۱۳۷۹، ص. ۱۷). «نزد انسان هیچ‌چیز به‌صورت خالص طبیعی نیست بلکه همه‌چیز تابع تفسیر فرهنگی انسان قرار می‌گیرد حتی حرکات و نیازهای فیزیولوژیکی بر حسب گزینش‌های فرهنگی متفاوت می‌نمایند و به‌وسیله فرهنگ جهت‌دهی می‌شوند. امروزه مفهوم فرهنگ در معنای وسیع آن که به الگوهای زندگی و تفکر بازمی‌گردد به اندازه کافی پذیرفته شده است (کوش، ۱۳۹۷). این معنا از فرهنگ که بیانگر الگوهای زندگی و تفکر است، در این پژوهش مبنا قرار می‌گیرد.

۳-۲. سیاست‌گذاری فرهنگی

سیاست یا خط‌مشی در سطح خُرد (سازمان) عبارت است از «راهنمای انجام کار جهت نحوه تخصیص منابع و تجهیزات و نیز تعیین وظایف در سازمان به‌نحوی که مدیران اجرایی بتوانند راهبرد سازمان را به‌طور صحیح اجرا کنند. سیاست‌ها راهنمای عمل و اقدام هستند و بر چگونگی اجرای وظایف تعیین‌شده سازمان دلالت می‌کنند» (ابراهیمی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۱۵). «سیاست فرهنگی عبارت است از همگراساختن اقدام‌های جمعی به‌منظور تحقق اهداف معین و برنامه‌ریزی به‌منظور استفاده از منابع» (همایون و جعفری هفتخوانی، ۱۳۸۷). برخی سیاست فرهنگی را تنها وظیفه دولت می‌دانند: «سیاست فرهنگی به‌طور کلی در حکم چهارچوب یا ابزاری رسمی توسط دولت و به‌منظور هدایت و ترویج فعالیت‌های فرهنگی یا توسعه اقتصادی - اجتماعی و زیرساختی متعادل در نظر گرفته می‌شود» (Bedoy, 2004)؛ اما برخی سیاست‌گذاری را به‌طور انحصاری وظیفه دولت نمی‌دانند: «سیاست به مجموعه‌ای از اقدامات منظم بر اساس اصول کلی اشاره دارد. نه فقط دولت‌ها بلکه همه نهادها، سیاست‌ها را برای تنظیم برنامه‌ها، اقدامات و هنجارها تدوین می‌کنند» (Victoria Durrer & at al., 2018). به باور گری، «سیاست فرهنگی طیفی از فعالیت‌هاست که دولت‌ها در عرصه فرهنگ برای انجام یا عدم انجام آن‌ها تصمیم می‌گیرند» (Gray, 2007).

از آنجاکه هیچ وفاقی درباره مفهوم بی‌حدوحصر «فرهنگ» (Culture) وجود ندارد، بنابراین تعریف دقیق سیاست‌گذاری فرهنگی نمی‌تواند بدون توجه به تعریف فرهنگ

صورت گیرد (فیاض، ۱۳۸۵، ص. ۳۳). سیاست‌گذاری فرهنگی هدف عام تأثیرگذاری در حوزه فرهنگ و توسعه فرهنگی را دنبال می‌کند (همایون و جعفری هفتخوانی، ۱۳۸۷). سیاست‌گذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد اجتماعی استیلا دارد. تعریف مختار از سیاست‌گذاری فرهنگی در این پژوهش را می‌توان این‌گونه مطرح نمود: مجموعه اقدامات و تصمیمات حکومت که به‌طور مستقیم از سوی خود حکومت یا به‌وسیله کارگزاران، سازمان‌ها و یا نهادهای مرتبط با آن در حوزه فرهنگ جهت سوق‌دادن آن از وضع موجود به وضع مطلوب صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد در اینکه سیاست‌گذاری می‌تواند بلکه باید «تمدنی» باشد، تردیدی نباشد چراکه سیاست‌گذاری باید ناظر به تحقق چشم‌انداز مطلوب باشد و چشم‌انداز مطلوب مدنظر انقلاب اسلامی ایران، تمدن نوین اسلامی است؛ بنابراین سیاست‌گذاری باید تمدنی باشد.

۳. روش پژوهش

از آنجایی که مسئله این پژوهش کشف موضوعی جدید می‌باشد، روش این پژوهش کیفی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش مطالعه اسنادی و مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته است و در این مسیر سعی شده است از ادبیات علمی بیان‌شده در حوزه مطالعات سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری فرهنگی، تمدن و مطالعات تمدنی، نظرهای نخبگان، صاحب‌نظران فرهنگی و تمدنی، سیاست‌گذاران و کارشناسان مربوطه بهره‌برداری شود. دسترسی به افراد مصاحبه‌شونده با روش گلوله برفی صورت گرفته است. از لحاظ سنخیت، حداکثر تلاش این پژوهش در انتخاب افراد کارشناس، صاحب‌نظر و متخصص با بیشترین اطلاعات در سطوح کمی و کیفی در نسبت‌سنجی مطالعات تمدنی و سیاست‌گذاری فرهنگی بوده است و در این زمینه با ۱۵ نفر از اساتید صاحب‌نظر مصاحبه شده است. روش تحلیل داده در این پژوهش، تحلیل داده‌بنیاد خواهد بود. نظریه داده‌بنیاد یک روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد تا به‌جای اتکا به نظریه‌های موجود و ازپیش‌تعریف‌شده، خود به تدوین نظریه اقدام کنند (مهرابی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۱۳).

روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را طی یک فرایند منظم به‌جای استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چهارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند (Pawel, 1999). روالی نظام‌مند و کیفی است، جهت تولید نظریه‌ای که یک فرایند، کنش یا برهم‌کنش را درباره یک موضوع خرد واقعی در سطح مفهوم کلی تشریح می‌کند (Creswell, 2005). مجموعه‌ای از شیوه‌ها برای توسعه دادن نظریه استقرایی در مورد یک پدیده است (Newman, 1997).

این روش طی سه مرحله انجام می‌شود: مرحله اول: کدگذاری باز، مرحله دوم: کدگذاری محوری و مرحله سوم: کدگذاری گزینشی (Lee, 2001). در این سه مرحله ابتدا تجزیه و توصیف داده‌های جمع‌آوری شده صورت می‌پذیرد، سپس به تشریح و تفسیر مقولات انتزاع‌شده پرداخته می‌شود، و درنهایت با ادغام و یکپارچه‌کردن مقولات، الگوی مشخصی ارائه می‌شود. نظریه داده‌بنیاد، فرایندی است که طی زمان شکل می‌گیرد و نباید باعجله اجرا شود. نکته مهم این است که تحلیل‌های کیفی، از مجموعه‌ای از خطوط راهنما استفاده می‌کنند و نه مجموعه‌ای از قوانین مشخص، این امر باعث انعطاف‌پذیری آن‌ها برای تناسب روش با سؤال‌ها و داده‌های پژوهش می‌شود (Patton, 1990). پس از سه مرحله کدگذاری الگوی نهایی، تحلیل داده‌بنیاد مشخص شد. برای پایی کدگذاری این پژوهش، پس از هر مرحله کدگذاری، کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی با گزاره‌های اولیه مقایسه شدند. برای روایی این پژوهش از بررسی همکاران استفاده شد. بدین ترتیب که با یکی از دانشجویان دکتری مراحل مراحل انجام پژوهش و یافته‌ها مرور شد و به سؤال‌ها و انتقادهای مطرح شده پاسخ داده شد.

نمونه‌ای از کدگذاری باز در تحلیل گزاره‌های این پژوهش در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول (۱): نمونه‌ای از کدگذاری باز در تحلیل گزاره‌های این پژوهش

شماره کد	گزاره	مفهوم	منبع
۱	پویانگری به مفهوم دوری جستن شخص / سازمان از ایستانگری پدیده مورد بررسی و نگاه به آن و بررسی تعاملات آن در محیطی دارای تغییر و تحول مستمر و واکاوی عوامل مؤثر بر پایداری و بالندگی پدیده مورد نظر در چنین محیطی.	پویانگری	الویری، مصاحبه پژوهش، ۱۴۰۲
۲	امیدآفرینی به مفهوم غلبه نگاه مثبت شخص/سازمان در ارزیابی پدیده مورد بررسی با تأکید برداشته‌های خود همزمان با حفظ واقع‌نگری و همسو با اهداف و آرمان‌های خویش این ویژگی موجب ایجاد روحیه امیدواری و امیدگرایی در خود فرد و امیدبخشی او به دیگران می‌شود.	امیدآفرینی	الویری، مصاحبه پژوهش، ۱۴۰۲
۳	آرمانگرایی آمیخته با نگاه انضمامی و عینی و درهم‌تنیده بودن مقام نظر و مقام تحقق و به هم گره خوردن فهم و عینیت.	آرمان‌گرایی	الویری، مصاحبه پژوهش، ۱۴۰۲
۴	پذیرش تنوع تمایز و تکثر در ابعاد شکلی و بعضاً محتوایی حیات بر اساس تفاوت شرایط محیطی و اوضاع زمانه همراه با تأمل در تعیین تاریخی ملت یا امت و افق‌های تمدنی فراوری آن.	پذیرش تنوع و تکثر	امیدی، ۱۴۰۲
۵	توجه انتقادی یا اصلاحی به عرصه کلان ظهور اندیشه‌های معطوف به عمل در دو سطح راهبردی و کاربردی.	توجه به اندیشه‌های معطوف به عمل (راهبردی و کاربردی)	امیدی، ۱۴۰۲

شماره کد	گزاره	مفهوم	منبع
۶	کلان‌نگری زمانی شمولیت زمانی مطالعات اسلامی و انسانی مطالعات اسلامی یا مطالعات انسانی‌ای که با رویکرد تمدنی شکل می‌گیرند همواره موضوع مورد مطالعه خود را در گستره وسیع زمانی در نظر می‌گیرند بدون توجه به گستره زمانی و بدون توجه به تبار تاریخی و همین‌طور بدون تأکید بر احتمالات آینده‌پژوهانه در موضوع مورد بررسی، نگاه تمدنی شکل نمی‌گیرد. در این باره دیدن هر موضوع در دوره‌های مختلف تاریخی‌اش بدون تردید رویکرد ما را در نگاه به آن موضوع به رویکردی تمدنی تبدیل خواهد کرد.	کلان‌نگری زمانی	بابایی، مصاحبه پژوهش، ۱۴۰۲
۷	کلان‌نگری مکانی شمولیت مکانی و جغرافیایی مطالعات اسلامی و انسانی علاوه بر کلان‌نگری، زمانی در نگاه کلان به مسئله‌های اسلامی و مسائل علوم، انسانی باید شمولیت و گستره موضوع مورد مطالعه را در ورای سرزمین‌ها نیز جستجو کرد و مسئله‌های آن را در سرزمین‌های مختلف پی گرفت و پیامدهای سرزمینی هریک را بررسی کرد و آنگاه به ارتباط ماهیت موضوع مورد نظر در سرزمین‌های مختلف و در فرهنگ-های متنوع پرداخت و وجوه اشتراک و افتراق همان یک موضوع را در جاهای مختلف بررسی کرد.	کلان‌نگری مکانی	بابایی، مصاحبه پژوهش، ۱۴۰۲

در این پژوهش با استفاده از روش‌شناسی داده‌بنیاد شاخصه‌های بینش تمدنی استخراج شده سپس به نسبت‌سنجی سیاست‌گذاری فرهنگی با شاخصه‌های بینش تمدنی پرداخته می‌شود.

۴. یافته‌های پژوهش

باتوجه به ادبیات نظری پژوهش سیاست‌گذاری فرهنگی مجموعه اقدامات و تصمیمات حکومت که به‌طور مستقیم از سوی خود حکومت یا به‌وسیله کارگزاران، سازمان‌ها و یا نهادهای مرتبط با آن در حوزه فرهنگ جهت سوق‌دادن آن از وضع موجود به وضع مطلوب صورت می‌گیرد، تعریف شد. باتوجه به یافته‌های پژوهش در توضیح بینش تمدنی باید گفت: سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر بینش تمدنی ناظر به تغییر یک حوزه فرهنگی مبتنی بر مبانی معرفتی تمدنی است به‌طوری‌که در عین بسط زمان - مکانی، پویایی، هماهنگی، نظم و عینیت تمدنی در آن حوزه فرهنگی، با محوریت مناسبات انسانی هویت تمدنی خلق، اشاعه و تثبیت گردد.

مبتنی بر روش‌شناسی پژوهش، ۳۳ مفهوم حاصل کدگذاری باز، ۱۴ مقوله حاصل کدگذاری محوری و ۷ شاخصه حاصل کدگذاری انتخابی برای بینش تمدنی استخراج گردید. با استفاده از مفاهیم، مقولات و شاخصه‌های استخراج شده برای بینش تمدنی، سیاست‌گذاری فرهنگی بر بینش تمدنی ابتناء پیدا می‌کند و بین مباحث نظری مطالعات تمدنی و مسائل عینی جامعه پل و ارتباط ایجاد می‌شود.

۴-۱. کدگذاری محوری

این کدگذاری، به این دلیل «محوری» نامیده شده است که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق می‌یابد. مقوله‌ها، در مقایسه با مفاهیم، انتزاعی‌تر بوده و سطحی بالاتر را نشان می‌دهند. آن‌ها از طریق همان فرایند تحلیلی انجام مقایسات برای برجسته‌سازی شباهت‌ها و تفاوت‌ها که در سطح پایین‌تر برای تولید مفاهیم استفاده شد، تولید می‌شوند.

جدول (۲): کدگذاری محوری

ردیف	مفهوم	مقوله
۱	انسان‌شناسی جامعه‌شناسی غایت و ارزش‌شناسی	هستی‌شناسی
۲	کلان‌نگری در زبان کلان‌نگری در محتوا کلان‌نگری در مصادر	سنت‌شناسی
۳	احترام به دستاوردها توجه به مواجهه تمدنی	تمایز تمدنی
۴	جاری‌شدن معنا وابستگی غایتمند	حس تعلق تمدنی
۵	توجه به نیاز تسلط بر طبیعت	تکنولوژی
۶	انضمامی بودن علم ناظر به عمل	علم
۷	جامعیت ابعادی انسجام و همگرایی	همه‌جانبه‌نگری
۸	سیستمی‌نگری هم‌جهتی	کل‌نگری
۹	انسانی‌دیدن جهان‌نگری	تنوع‌نگری
۱۰	آرمان‌گرایی امیدآفرینی تحول‌خواهی اعتماد به نفس توجه به غایت و هدف	پیشرفت و تکامل

ردیف	مفهوم	مقوله
۱۱	اجتماعی دیدن عدالت اجتماعی	طریقت نظام‌های اجتماعی
۱۲	اخلاق اجتماعی عاملیت گروه‌های انسانی	محوریت مناسبات انسانی
۱۳	توجه به میراث و سیر تاریخی گذشته توجه به آینده	کلان‌نگری تاریخی
۱۴	توجه به الگوشدن توجه به تکثر فرهنگی	کلان‌نگری جغرافیایی

۲-۴. کدگذاری انتخابی

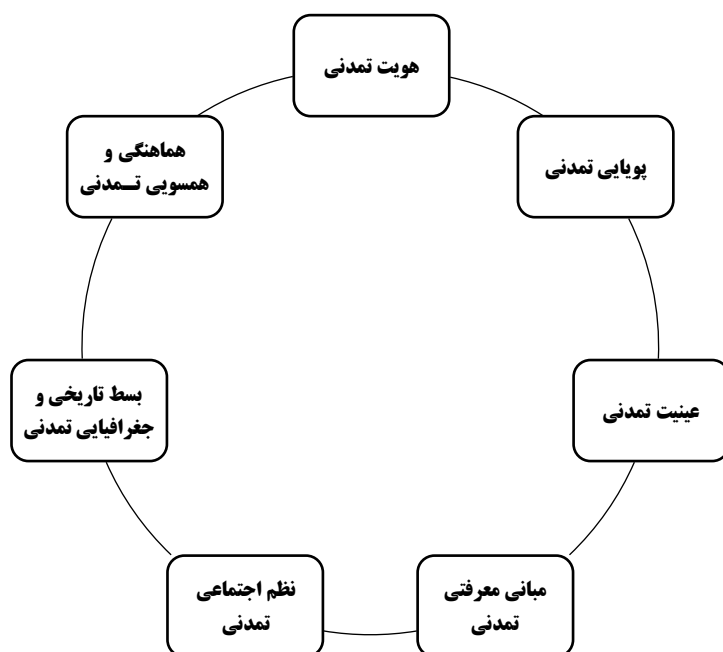
«کدگذاری انتخابی»، فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست. در یک سطح اصلی، این مرحله شرحی انتزاعی برای فرایندی که در پژوهش مطالعه می‌شود، ارائه می‌دهد.

جدول (۳): کدگذاری انتخابی

ردیف	مقوله	شاخصه
۱	هستی‌شناسی سنت‌شناسی	توجه به مبانی معرفتی تمدنی
۲	تمایز تمدنی تعلق تمدنی	توجه به هویت تمدنی
۳	فناوری علم	توجه به عینیت تمدنی
۴	همه‌جانبه‌نگری کل‌نگری	توجه به یکپارچگی تمدنی
۵	تنوع‌نگری پیشرفت و تکامل	توجه به پویایی تمدنی
۶	طریقت نظام‌های اجتماعی	توجه به نظم اجتماعی تمدنی

ردیف	مقوله	شاخصه
	محوریت مناسبات انسانی	
۷	کلان‌نگری تاریخی کلان‌نگری جغرافیایی	توجه به بسط زمان - مکانی

۳-۴. شاخصه‌های بینش تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی



منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۱): شاخصه‌های بینش تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی

۴-۴. تشریح مؤلفه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر بینش تمدنی

در ادامه نسبت شاخصه‌های بینش تمدنی با سیاست‌گذاری فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. سیاست‌گذاری فرهنگی و یکپارچگی

مطالعات تمدنی در متمایزترین رویکردها هم حاوی نوعی از یکپارچگی است. «فرهنگ‌ها در وسیع‌ترین معنا به مثابه پیکربندی‌های الگوهای رفتاری تعریف می‌شوند. از آنجاکه تمدن‌ها، فرهنگ‌های متعلق به شهرها هستند، می‌توان آن‌ها را از فرهنگ‌های بدوی جدا کرد و بنابراین تمدن‌ها با ساختارهای اجتماعی پیچیده‌تری مشخص می‌شوند که با شهرنشینی همراه است؛ اما این عامل اشتراک شهرنشینی نیز منبع جدیدی برای گوناگونی است» (آرانسون، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۸). یکپارچگی تمدنی ناظر به مناسبات انسانی، سبب جهت‌دهی سیاست‌گذاری فرهنگی به‌سوی همگرایی اجتماعی می‌شود. در این نگاه، یکی از اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی تقویت «همگرایی اجتماعی و داشتن رویکرد هم‌افزا و حس بهره‌گیری از توانمندی همگان و پایبندی به لوازم آن مانند برخورداری از روح کار جمعی، گفتگو، نقدپذیری تحمل و مدارا و خودبرترین نبودن و تقدم منافع جمعی بر منافع فردی» (الویری، مصاحبه پژوهش، ۱۴۰۲)؛ خواهد بود. مداخله دولت در حوزه فرهنگ آنگاه که با بینش تمدنی آمیخته گردد، وجه کلان‌نگری و یکپارچه دیدن پدیده‌های اجتماعی در آن تقویت می‌شود. در این رویکرد، تک‌بعدی دیدن مسائل فرهنگی در تمامی مراحل سیاست‌گذاری و فرایند مداخله‌گری، اشتباهی راهبردی به حساب می‌آید. در چهارچوب مطالعات تمدنی، سیاست‌گذاری فرهنگی برای هر مسئله با پیوست‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی همراه خواهد بود. بسیاری از مشکلات حال حاضر جامعه، ریشه در عدم نگاه کلان به مسئله مورد بررسی دارد. در تمدن اسلامی عناصر تمدنی چون علم، سیاست، فرهنگ، اقتصاد و... همه باید هم‌جهت با جهت کلی تمدن یعنی اسلام و توحید باشند و در نسبت با سایر عناصر نیز نقش مکمل و هماهنگ‌کننده داشته باشند تا بتوانند تصویری از یک کلیت یکپارچه را بازنمایی کنند. اینکه به‌عنوان مثال نظام رسانه‌ای به‌عنوان یکی از عناصر تمدنی مانعی برای پیشرفت عناصر دیگر باشد - چیزی که در فضای جامعه ایران کنونی شاهد آن هستیم و دلیل آن ضعف سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه‌های مختلف رسانه‌ای در عرصه علم و عمل است - مانع تحقق چنین تصویری است. یکی از آسیب‌های جدی سیاست‌گذاری فرهنگی در

ایران، تداخل مأموریتی و عملی حوزه‌ها و سازمان‌های مختلف با هم است که یکی از مهم‌ترین دلایل آن عدم نرم‌افزار تمدنی اداره فضای فرهنگی می‌باشد و خود را در تشتت و ناهماهنگی نظام‌های اجتماعی مختلف در متن جامعه نشان می‌دهد؛ بنابراین هماهنگی و یکپارچگی تمدنی، از طرفی تولید نرم‌افزار بومی مورد اجماع و از طرف دیگر تعالی الگوی مدیریت و سیاست‌گذاری فرهنگی جامعه را توأمان طلب می‌کند.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۲): دلالت‌های توجه به یکپارچگی تمدن در سیاست‌گذاری فرهنگی

۴-۴-۲. سیاست‌گذاری فرهنگی و پویایی

مطالعات تمدنی زندگی جمعی انسان‌ها را به صورت ایستا بررسی نمی‌کند بلکه به تغییرات، تعاملات و تأثیر و تأثرات توجه می‌کند. «رویکرد تمدنی رویکردی

آرمان‌گرایانه به حرکت جامعه است و متناسب با افق آرمانی به تحلیل حیات اجتماعی می‌پردازد؛ به عبارت دیگر تمدن تنها حالتی فریز شده از مناسبات اجتماعی در برهه‌ای از تاریخ نیست که به ایستایی رسیده و الان به موزه تبدیل شده باشد بلکه تمدن نقطه اوج و پویایی جامعه است که در آن تمامی مناسبات اجتماعی حول جهت‌گیری واحد به بالاترین انسجام نایل می‌شوند» (جمالی، ۱۴۰۲). یکی از مؤلفه‌های پویایی در بینش تمدنی توجه به نسبت پدیده‌ها و مسائل با حرکت تکاملی و پیشرفت آن‌هاست. «براین اساس در رویکرد تمدنی، برای تحلیل موضوعات و مسائل اجتماعی در گام نخست وضعیت آرمانی آن موضوع در کلیت تمدنی مدنظر قرار می‌گیرد و سپس متناسب با آن وضعیت به تحلیل و تغییرات متناسب موضوع در مسیر شدن تا رسیدن به آن وضعیت آرمانی پرداخته می‌شود» (جمالی، ۱۴۰۲).

اولین لازمه حرکت پدیده‌ها به سمت اهداف تکاملی خود وجود امید است. توجه به تعاملات پدیده‌ها با یکدیگر که در مطالعات تمدنی مورد بررسی قرار می‌گیرد، می‌تواند در وهله اول خود را در بررسی تعامل دولت و مردم نشان دهد. با توجه به وظایفی که برای دولت در حوزه فرهنگ وجود دارد، نقش‌آفرینی مثبت دولت در فرهنگ با حضور و ایجاد ارتباط مستمر با مردم و نخبگان امکان‌پذیر خواهد بود. تأثیر متقابل مردم بر حکومت و رابطه دوطرفه آن‌ها در نگاه تمدنی با رابطه یک‌سویه دولت و مردم مغایرت دارد، چنانچه مسئولان فرهنگی نیز باید این رابطه متقابل را در بنیادهای سیاست‌گذاری فرهنگی خود مدنظر قرار دهند. «سیاست‌گذاری فرهنگی را باید از برنامه‌ریزی و حکمرانی تفکیک کنیم. یک سیر شکل‌گیری وجود دارد. وقتی دولت نوین شکل گرفت، گفتند باید بر کشور برنامه‌ریزی کرد. تعدادی از کارشناسان نخبه به صورت متمرکز با مجموعه مطالعاتی برای تمام نقاط مختلف کشور، برنامه‌ای ارائه دادند. سیاست‌گذاری بعد از نظریه برنامه‌ریزی آمد و گفت: نمی‌توان تمام مسائل ریز و درشت یک کشور را برنامه‌ریزی کرد. باید مطالعه میدانی در نقاط مختلف داشت و با اولویت‌بندی سیاست تعیین می‌کند؛ بنابراین نگاه بالا به پایین به نگاه عمقی و میدانی تغییر کرد. حکمرانی می‌گوید: خود جوامع محلی باید در سیاست‌گذاری مشارکت کنند و جامعه‌پردازی یعنی این. بینش تمدنی نیز در این راستا است. حکمرانی در این معنا

می‌شود تسهیل‌گر. تدوین و اجرا با خود جوامع محلی. نظامی که خداوند می‌خواهد شکل دهد کل کار توسط صالحان اتفاق می‌افتد در سطوح مختلف» (مطهری‌نژاد، مصاحبه پژوهش، ۱۴۰۲).

پویایی‌بینی تمدنی با تأکید بر عامل انسانی باعث توجه سیاست‌گذار به امید، آرمان و تحول در سیاست‌گذاری فرهنگی می‌شود. پویایی می‌تواند اشاره به توجه به عاملیت در برابر ساختار داشته باشد. درواقع در نگاه تمدنی انسان مهم است و توجه ساختارهای پهن دامنه اجتماعی و تاریخی مانع از توجه ویژه به نقش انسان و پویایی و نشاط و امید و انگیزه پیشرفت او در تکوین و تکون تمدن نمی‌شود.

اما یکی از مهم‌ترین دلالت‌های پویایی تمدنی در حوزه دخالت دولت در فرهنگ توجه به تنوع فرهنگی موجود در جامعه و ارتباطات میان‌فرهنگی حاصل از آن است چراکه یکی از مؤلفه‌های اساسی در بینش تمدنی «پذیرش تنوع تمایز و تکثر در ابعاد شکلی و بعضاً محتوایی حیات بر اساس تفاوت شرایط محیطی و اوضاع زمانه همراه با تأمل در تعیین تاریخی ملت یا امت و افق‌های تمدنی فراروی آن» (امیدی، ۱۴۰۲) می‌باشد. یکی از عوامل پویایی تمدنی، ارتباطات میان‌فرهنگی گسترده‌ای است که در سطح معاشرت‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد و باعث تعارف و تعامل انسان‌ها با یکدیگر می‌شود. این ارتباطات، یکپارچگی تمدن را در عین تنوع انسان‌ها و فرهنگ‌ها که از زیبایی‌های یک تمدن است، تسهیل می‌کند. ارتباطات میان‌فرهنگی گسترده‌ای که در بستر تمدن صورت می‌پذیرد، فرصت‌های زیادی را برای تعارف، تعامل و تبادلات میان‌فرهنگی ایجاد می‌کند تا فرهنگ‌های متنوع با یکدیگر آشنا شوند و آگاهی فرهنگی خود را نسبت به یکدیگر افزایش دهند. چنین اثری در افزایش تعاون‌های اجتماعی، کاهش تنش‌های سیاسی و اجتماعی، پیش‌دآوری‌ها و نزدیک‌تر شدن افکار و اعتقادات دو فرهنگ، ارتقاء تفاهم و درک متقابل میان ملت‌ها، جلوگیری از بیگانه‌گرایی و تبلیغات سوء، ایجاد آرامش و صلح جهانی و... (معینی‌پور، ۱۳۹۴، ص. ۳۷) بسیار مؤثر است و آرامش و زایش فرهنگی توأمان لازم جهت شکل‌گیری یکپارچگی و پویایی تمدنی را تأمین می‌کند.

علاوه‌بر توجه به ارتباطات میان‌فرهنگی، توجه به نشاط و محبت در ارتباطات

اجتماعی نیز از ثمرات پویایی بینی تمدنی است، چراکه در این نگاه هر آنچه باعث اصطکاک در روابط اجتماعی می شود باید از بین برود و هر آنچه سبب تقویت ارتباطات اجتماعی شود باید مورد توجه قرار گیرد.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۳): دلالت‌های توجه به پویایی تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی

۴-۳. سیاست‌گذاری فرهنگی و عینیت

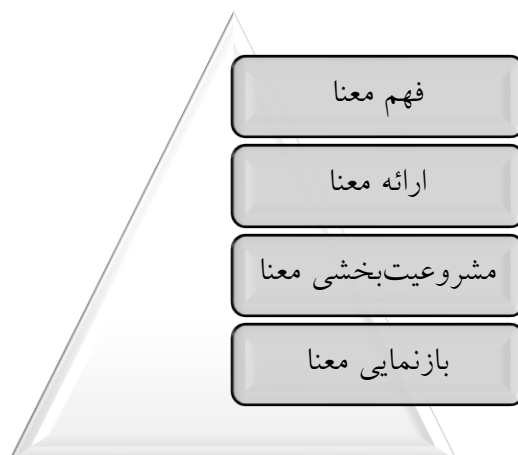
اگر اجتماعی قصد عزیمت به سوی تحقق تمدنی نوین داشته باشد، صرف تحقق عناصر و ارکان تمدنی، برای رسیدن به سر منزل مقصود کافی نیست بلکه باید یک عینیت اجتماعی فراگیر و سامانه نظام‌مند پاسخ‌گو ایجاد کند تا تمدن هویت انضمامی پیدا کند. «اگر اجتماعی بخواهد به سطح یک تمدن ایدئال دست یابد باید اعتبارات نظام اجتماعی را از حالت اعتباری بودن خارج نماید و به‌صورتی ضروری با عقبه‌وجودی آن اجتماع پیوند زند. تحقق چنین شرطی به این معناست که همان‌طورکه به حسب اعتبار ظاهری

حکومت در بسیاری از حوزه‌های حیات انسان‌ها تأثیرگذار است و نقش سرپرستی را بر عهده دارد، به همان نسبت در هویت‌بخشی به اجتماع و برقراری یک نوع اتحاد وجودی بین افراد آن نیز نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌کند» (خانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۳).

تمدن، اجتماعی فراگیر و هویت‌بخش است که با بسط تاریخی جغرافیایی معنا در بستر زندگی مردم، عینیت اجتماعی پیدا می‌کند؛ بنابراین راه عینیت یافتن تمدن از بسط تاریخی جغرافیایی معنا طی می‌شود که این امر نیز بدون وجود یک حکومت یا قدرت دارای نفوذ امکان‌پذیر نخواهد بود چراکه «قابلیت گفتمان‌ها در تثبیت معنا و هژمون شدن، وابسته است به میزان قدرتی که پشت آن‌ها وجود دارد و از آن‌ها حمایت می‌کند» (هنری و آزرمی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۲). توجه به رابطه تمدن و قدرت مستلزم توجه به مفهوم حکومت و سیاست‌گذاری است. سیاست‌گذاری در هر رویکرد نظری، متناسب با مبانی و مفاهیم کلیدی آن رویکرد تعریف می‌شود. این نوشتار در یک نگاه کلی سیاست‌گذاری را فرایند نقش‌آفرینی جامعه سیاستی برای گذار جامعه از وضعیت موجود به سوی چشم‌انداز مطلوب در نظر می‌گیرد. چشم‌انداز مطلوب فرهنگی در اسلام، چشم‌اندازی توحیدی است. فرهنگ اسلامی، فرهنگ «إِنَّا لِلّٰهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره / آیه ۱۵۶) است. سیاست‌گذاری باید حرکت و صیورورتی باشد در جهت آشکار ساختن هرچه بیشتر حقیقت الله و بازکردن روزه‌های عوالم ملکوت به دنیا.

دولت باید ابتدا اهل فهم معانی تمدنی پیرامون هر مسئله اجتماعی باشد تا بتواند جهت‌گیری صحیح خود در سیاست‌گذاری را حفظ کند. گام بعد، ناظر به نظامات اجتماعی تعریف می‌شود. دولت باید با ارائه معانی تمدنی در هریک از حوزه‌های معنایی و کنشی جامعه از اقتصاد و سیاست داخلی گرفته تا ارتباطات اجتماعی و روابط بین‌الملل و... جهت سیاست تمدنی خود را نمایان سازد به‌طوری‌که هر حوزه اجتماعی اگر از جهت عملکرد دولت و جامعه سیاستی مورد بررسی قرار گیرد. دال مرکزی معانی که تصمیمات و اقدامات در پرتو آن‌ها شکل گرفته است، همان دال مرکزی هویت تمدنی ایران اسلامی باشد. جامعه سیاستی باید از تصمیمات سطحی، یک‌جانبه‌گرایانه و مقطعی پرهیز کند. مشروعیت‌بخشی به معانی ارائه شده با متعین‌ساختن روایت‌های رسمی و بازنمایی و بسط تاریخی جغرافیایی آن‌ها با استفاده

از دستگاه‌های رسانه‌ای و گفت‌وگویی مختلف، مراحل بعدی است که دولت باید بتواند آن‌ها را محقق سازد.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۴): اقتضات سیاست‌گذاری تمدنی

سطوح مداخله دولت در فرهنگ را می‌توان سه سطح: ۱- سیاست‌گذاری^۱، ۲- پشتیبانی و برنامه‌ریزی^۲ و ۳- اجرا^۳ در نظر گرفت. سطح سیاست‌گذاری اشاره به ساماندهی و هماهنگی بخش‌های مختلف مرتبط با امور فرهنگی و نظارت بر عملکرد آن‌ها بدون حمایت یا اقدام معین دارد. در سطح پشتیبانی و برنامه‌ریزی دولت علاوه بر سیاست‌گذاری به ارائه انواع پشتیبانی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اقدام می‌کند؛ اما در سطح اجرا خود به‌طور مستقیم وارد امور فرهنگی می‌شود و تصدی‌گری فعالیت‌ها را بر عهده می‌گیرد. در سیاست‌گذاری تمدنی دولت باید بیشتر بر دو سطح اول متمرکز شود و از هرگونه تصدی‌گری و دخالت مستقیم اجتناب کند. چراکه در فرایند تحقق تمدنی، نقش اصلی را در متن و عینیت جامعه، افراد، گروه‌های اجتماعی مردم و فرهنگ‌های مختلف بازی می‌کنند. برخی تمدن را به‌مثابه توپ بلیارد سختی در نظر می‌گرفتند که ماهیتی سخت دارد و با مرکزیت دولت و اقدامات نظامی اهداف خود را

-
1. policy making
 2. planing
 3. Implementation

دنبال می‌کند؛ اما به این نوع نگاه به مقوله تمدن، نقدهای بسیاری وارد شده است. از نظر هانتینگتون (۱۹۹۶)، تمدن‌ها ژرف ساختارهایی هستند که در برابر تغییر و نفوذ از بیرون مقاومت می‌کنند. تمدن‌ها مثل توپ بیلارد هستند؛ سفت و نفوذناپذیر. درحالی‌که این تصویر اشتباهی از تمدن‌ها به نظر می‌رسد (ملیوئیش، ۱۳۹۵، ص. ۹۷). رویکردهای متأخر عینیت اجتماعی تمدن را دارای ماهیتی کاملاً نرم و مردمی می‌دانند که مبتنی بر برخورد، تعارف و تعامل فرهنگ‌ها راه خود را ادامه می‌دهد؛ بنابراین در این نگاه دولت اگرچه در پیشبرد تمدن بی‌تأثیر نیست؛ اما نقش اصلی را بازی نمی‌کنند. در رویکرد تمدنی به دولت، سیاست‌گذار باید خود در نقش یک ناظر و حامی بیرونی تصور کند که سعی می‌کند بازیگران اصلی را به سمت اهداف مشخص هدایت کند.

اگر رویکردهای مداخله دولت در حوزه فرهنگ با ۶ رویکرد خادمانه، بازدارنده، اقتضائی، نظارتی، حمایتی، ضمانتی و خنثی صورت‌بندی شود، باید گفت دلالت رهیافت تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی اتخاذ رویکرد اقتضایی، ضمانتی، حمایتی و نظارتی خواهد بود. دولت تک‌صدا، متمرکز، حداکثری و تمامیت‌خواه و دولت منفعل، بازدارنده و خنثی با رویکرد تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی که در عین دغدغه هدایت بستر جامعه بر آگاهی، اختیار، گفت‌وگو و احترام به سلیقه‌های فرهنگی مختلف بنا می‌شود، ناسازگار است. دولت در رویکرد تمدنی بر اساس احترام به فطرت انسانی، بر آگاهی و اختیار انسان‌ها از طرفی و تنوع و سلیقه‌های مختلف فرهنگی آن‌ها از طرف دیگر تأکید می‌کند. دولت تمدنی دولت متمرکز و تصدی‌گر از طرفی و دولت منفعل و خنثی از طرف دیگر نیست. تمدن اسلامی بر پایه فطرت انسانی شکل می‌گیرد. فطرتی که مبتنی بر سنت الهی در بستری اجتماعی شکوفا می‌شود و خود را در رنگ‌های مختلف ظهور می‌دهد. در نگرش توحیدی، فطرت راهنما و مرکب اصلی حرکت و امتحان انسان‌های موحد است و رنگ، نژاد، زبان و قومیت‌های مختلف بستر این حرکت و امتحان خواهند بود. بسترهایی که زمینه تکثر ظهور و تنوع زیبایی حرکت و امتحان انسان‌های موحد را فراهم می‌کند و بر زیبایی هرچه بیشتر جهان خلقت می‌افزاید؛ بنابراین دولت در رویکرد تمدنی بر اساس احترام به فطرت انسانی، بر آگاهی و اختیار انسان‌ها از طرفی و تنوع و سلیقه‌های مختلف فرهنگی آن‌ها از طرف دیگر تأکید می‌کند.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۵). دولت تمدنی چه چیزهایی نیست؟



منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۶): دلالت‌های توجه به عینیت در سیاست‌گذاری فرهنگی

۴-۴-۴. سیاست‌گذاری فرهنگی و نظم اجتماعی

توجه به نظامات اجتماعی در واقع توجه توأمان به دو مقوله «نظم» و «اجتماعی دیدن» پدیده‌ها و مسائل است. «اجتماعی دیدن به مفهوم توجه به میزان استواری و پایداری ریشه‌های اجتماعی پدیده به‌ویژه ساخت‌یافتگی آن و درگیر کردن هرچه بیشتر نظام‌های گوناگون اجتماعی است» (الویری، مصاحبه پژوهش، ۱۴۰۲). کنار هم قرار گرفتن دو مفهوم «نظم» و «اجتماعی دیدن» معنای توجه به نظام مناسبات انسانی و سامان‌دهی آن‌ها را نیز در خود مستتر دارد. تحقق تمدن اسلامی بدون تحقق این نظامات معنا پیدا نمی‌کند. اگر انقلاب و دگرگونی اساسی اولیه در قلوب را مرحله اول پایه‌گذاری تمدنی نوین قلمداد کنیم، پس از آن لازم است که تفکر جدید، نظامات اجتماعی متناسب خود را صورت‌بندی و سپس عینیت بخشد و گرنه صیورورت تمدنی تداوم پیدا نخواهد کرد. «مناسبات انسانی در تمدن از چنان اهمیتی برخوردار است که برخی تمدن‌پژوهان مهم‌ترین مسئله تمدن را ناظر به همین مناسبات دانسته‌اند. جیکوبسن این موضوع را به این شرح توضیح داده است: این مسئله مهم‌ترین مسئله تمدن عبارت است از کمک به رشد فرد فرد انسان‌ها به‌نحوی که نه فقط باعث ایجاد جدایی بین آنها و ویرانگری متقابل آنها نشود بلکه سازگاری متقابل را نیز بین آنها برقرار کند و این در زمینه انگیزه‌ها و نگرش‌های فرد، روابط بین انسان‌ها و روابط بین انسان‌ها و بقیه طبیعت است؛ بنابراین تمدن و حرکت تمدنی را می‌توان به مثابه مناسبات انسانی دانست که حایز این ویژگی بارز باشد که آن مناسبات منازعات را کاهش و سازگاری را افزایش دهد» (بهمنی، ۱۴۰۲). ویژگی این جهانی‌بودن تمدن، به این معناست که نظامات اجتماعی جهت پاسخ به نیازهای مادی و بیرونی بر اساس ویژگی این جهانی تمدن، عینیت خارجی پیدا کنند. لازمه عینیت نظامات اجتماعی، حاکم‌شدن نظم اجتماعی بر مناسبات انسانی است که با وضع قوانین لازم، تحقق عدالت اجتماعی و توجه ویژه به اخلاق اجتماعی شکل خواهد گرفت. این لوازم با جاری‌شدن معانی متناسب با هویت معنایی تمدن در بستر جامعه محقق خواهند شد. درواقع لازمه نظم دادن به مناسبات انسانی توجه به دو مقوله اخلاق و عدالت است. اخلاق اجتماعی به ایجاد نظم در روابط اجتماعی اشاره دارد و عدالت به تحقق نظم در نظامات اجتماعی کمک می‌کند. دو مفهوم اخلاق و عدالت هر

دو به قرار گرفتن امور در مواضع خود دلالت دارد. در سطحی فراگیر و با پیچیده شدن مناسبات انسانی این امر اهمیت مضاعف پیدا کرده و همین امر زیربنای نظم اجتماعی تمدنی را شکل خواهد داد.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۷): دلالت‌های توجه به نظم اجتماعی در سیاست‌گذاری فرهنگی

۴-۵. سیاست‌گذاری فرهنگی و بسط زمان - مکانی

تاریخی‌نگری که یکی از مؤلفه‌های بینش تمدنی به حساب می‌آید، پدیده‌های اجتماعی را در سیر زمانی و بستر تاریخی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد و به تعاملات آن با اقتضائات تاریخی توجه ویژه دارد. مطالعات تمدنی بر این نکته تأکید دارد که بررسی یک پدیده اجتماعی که به صورت مسئله خود را نشان داده است حاصل یک فرایند تاریخی بوده است و تحلیل صحیح آن تنها با بررسی پیشینه مسئله امکان‌پذیر است. سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر بینش تمدنی علاوه بر بررسی تغییر پدیده‌ها در

طول تاریخ به گسترش آن‌ها در قلمرو وسیع جغرافیایی توجه می‌کند چراکه «توجه به گستره وسیع مناسبات اجتماعی و انسانی در گستره وسیع سرزمینی و جغرافیایی نظر به هریک از ابعاد گوناگون شبکه‌های ارتباطی حیات انسانی از منظری فراملی چه در ناحیه منافع و مصالح و چه در ناحیه خطرات و مضرات مثل مسائل مرتبط با سلامت محیط زیست تروریسم مسائل مرتبط با جنگ و صلح و آموزش می‌تواند رویکردی تمدنی تلقی شود» (امیدی، ۱۴۰۲)؛ بنابراین توجه به گستره وسیع جغرافیایی دلالت‌های زیادی برای سیاست‌گذاری فرهنگی خواهد داشت. از گستره وسیع مخاطبان، تا توجه به مقولات کلان و فراسرزمینی و پذیرش و برنامه‌ریزی برای تنوع و تکثر فرهنگی و....

نکته مهم آنکه «بدون توجه به گستره زمانی و بدون توجه به تبار تاریخی و همین‌طور بدون تأکید بر احتمالات آینده‌پژوهانه در موضوع مورد بررسی نگاه تمدنی شکل نمی‌گیرد» (بابایی، مصاحبه پژوهش، ۱۴۰۲). توجه به گستره وسیع تاریخی، هم ما را متوجه سیر تاریخی گذشته پدیده‌ها و جوامع، میراث گذشتگان و تجربه‌های متاخر می‌کند و هم به چشم‌اندازپردازی مسیر پیش‌رو و آینده‌پژوهی مسائل رهنمون می‌سازد. درواقع یکی از مؤلفه‌های بینش تمدنی «پاسداشت میراث‌گرایی همزمان با تحول‌خواهی به مفهوم در پی میراث پیشینیان‌بودن با نگاه مثبت و البته با رویکرد انقلابی بر پایه باور به ضرورت حفظ داشته‌ها و مبتنی‌ساختن آینده بر اساس آن» (الویری، مصاحبه پژوهش، ۱۴۰۲). نگاه تاریخی و آینده‌پژوهانه‌ای که در مطالعات تمدنی و بینش تمدنی وجود دارد، حاصل توجه به مؤلفه «بسط زمانی» و نگاه میان فرهنگی جهانی حاصل توجه به مؤلفه «بسط مکانی» است.



شکل (۸): دلالت‌های توجه به بسط زمان - مکانی در سیاست‌گذاری فرهنگی

۴-۶-۷. سیاست‌گذاری فرهنگی و هویت معنایی

گیروشه^۴ فرهنگ را مجموعه‌ای به هم پیوسته از شیوه‌های تفکر، احساس و عمل که کم‌وبیش مشخص می‌باشند می‌داند که توسط تعداد زیادی افراد فراگرفته می‌شود و بین آن‌ها مشترک است و به دو شیوه عینی و نمادین به کار گرفته می‌شود تا اشخاص را به یک جمع خاص و متمایز مبدل سازد (گیروشه، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۴). ارتباط بین فرهنگ و معنا و نظام نمادین زندگی بر کسی پوشیده نیست. هرگاه اجتماعی از انسان‌ها مبتنی بر عقلانیت خاص خود و نسبتی که با هستی پیدا کرده‌اند، به معنا یا معناهایی توجه کنند که به واسطه آن یک پویایی یکپارچه معنادار ناشی از منظومه کنش‌های اجتماعی هم آهنگ عینیت یافته شکل بگیرد و بسط زمان - مکانی پیدا بکند، می‌توان از برپایی

یک تمدن سخن به میان آورد. «در یک تمدن مابین انواع تعاملات اجتماعی و فرهنگ آن جامعه یک پیوند ضروری و غیرقابل انفکاک برقرار است به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان تعاملات آن اجتماع را صرفاً اموری اعتباری و ناشی از قوانین جعل شده دانست بلکه فرهنگ آن جامعه چنان در عمق و وسعت تمامی ابعاد آن جامعه رسوخ کرده است که به‌صورتی ضروری نوعی خاص از تعاملات اجتماعی را سبب می‌گردد و درحقیقت انواع تعاملات اجتماعی همگی بسترهای ظهور آن فرهنگ در عرصه‌های گوناگون شده‌اند» (خانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۳).

دولت باید به نقش محوری معنا در زندگی اجتماعی انسان توجه کند. مسائل اجتماعی در متن جامعه بروز و ظهور پیدا می‌کنند. نکته مهم اما آنکه در وضعیت موجود، این جامعه به‌مثابه بستری است پویا، معنادار، متنوع، پُرکشاکش، متغیر، چندبُعدی و تودرتو. وقتی مسئله‌ای جدی وارد این بستر پُرکشاکش می‌شود، دولت باید با فهم معانی همراه آن بتواند سیاست‌گذاری خود را در جهت معانی اصیل تمدنی تنظیم کرده و آن معانی اصیل را اشاعه، مشروع و تثبیت سازد. مسائل اجتماعی از آن جهت که تنها یک پدیده تک‌بُعدی نیستند بلکه مسئله‌ای چندبُعدی هستند، یک حوزه معنایی و گفتمانی خاص را با خود به همراه می‌آورد.

بستر سیاست‌گذاری، بستر کشاکش معانی و نمادها است. وضعیت موجودی که قرار است به سمت و سوی چشم‌انداز مطلوب سوق داده شود، صحنه به چالش کشیده‌شدن معانی مورد مناقشه توسط گروه‌های مختلف است. دولت باید حواسش باشد که متعلق به چه معانی و چهارچوب گفتمانی است که سیاست‌گذاری و مداخله خود را در آن در راستا جهت‌دهی کند. حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی حرکت به سمت جامعه مهدوی است. خداوند متعال در آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور / آیه ۵۵)، آینده زندگی بشر را به‌صورت یک جامعه سراسر توحیدی که «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» ترسیم می‌کند؛ بنابراین توحید را می‌تواند

دال مرکزی هویت معنایی تمدن نوین اسلامی به حساب آورد؛ بنابراین دولت باید به معانی توحیدی در پس هر مسئله اجتماعی توجه کند. همان‌طور که باید هویت معنایی تمدن خود را بررسی کرد، لازم است به هویت معنایی تمدن رقیب نیز توجه کرد. «بینش تمدنی دیدن پدیده‌ها در مقیاس تمدن خود و نسبتش با دیگر تمدن‌هاست» (خیامی، مصاحبه پژوهش، ۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی و بررسی وضعیت پدیده‌ها در تمدن‌های رقیب از الزامات سیاست‌گذارانه تحلیل تمدنی مسائل فرهنگی است. «بینش تمدنی باید در هر پدیده نسبتش را با مابۀ‌ازایش در دیگر مجموعه‌های تمدنی تعیین کند» (خیامی، مصاحبه پژوهش، ۱۴۰۲). «بینش تمدنی در یک نگاه بلند معطوف به آینده و استفاده از عناصر گذشته جهت استفاده در مواجهه با مسائل نوپدید خود را نشان می‌دهد» (مطهری‌نژاد، مصاحبه پژوهش، ۱۴۰۲).



منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۹): دلالت‌های هویت معنایی تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی

۴-۷. سیاست‌گذاری فرهنگی و مبانی معرفتی حاکم بر بینش تمدنی

تمدن‌ها در طول تاریخ بر اساس مبانی فکری متناسب با خود شکل گرفته‌اند. هر تمدنی دارای خاستگاهی عقلانی است. این مبانی فکری و معرفتی یک تمدن است که مواد لازم جهت شکل‌گیری نظامات اجتماعی مختلف و عینیت یافتن آن‌ها در زندگی بشر را فراهم می‌کند. مبانی معرفتی هر تمدن علاوه بر بسط در نظامات اجتماعی، در فکر و ذهن انسان‌های آن تمدن که مبنای عمل آن‌ها می‌شود نیز خود را نشان می‌دهد. درواقع بررسی انسان‌های هر تمدن بیان‌گر وجود نوعی مبانی معرفتی خاص در افکار و اعمال آن‌هاست؛ بنابراین «در مرحله دولت اسلامی وقوع دو مسئله ضروری است. الف) اسلامی‌سازی نظام‌ها و روش‌ها، ب) تربیت و شکل‌گیری دولتمرد در طراز مسئولان با ضوابط و شرایط اسلامی (جهانبین و معینی‌پور، ۱۳۹۳، ص. ۳۶). ازاین‌رو توجه به مبانی معرفتی در تحقق تمدن نوین اسلامی، لزوم بسط اجتماعی عقلانیت اسلامی را از طرفی و پرورش نیروی انسانی متناسب با عقلانیت اسلامی را از طرف دیگر مشخص می‌سازد.

دولت اگر بخواهد سیاست‌گذاری تمدنی در حوزه فرهنگ در پیش گیرد باید بر رشد آگاهی، معرفت و عقلانیت افراد تأکید کند و اهمیت فراوانی برای قوه اختیار و انتخاب آن‌ها قائل باشد. خیز تمدنی، حاصل خودآگاهی تاریخی است و این امر مستلزم رشد و تعمیق آگاهی‌های توحیدی و تمدنی در درازمدت است. مداخله‌های مستقیم، مقطعی، سلبی و سطحی با سیاست‌گذاری در پرتو بینش تمدنی همخوانی ندارد.

از آنجاکه در عقلانیت تمدنی اسلامی هیچ خلأ و کاستی در جهان خلقت وجود ندارد و تمامی مخلوقات به‌صورت هدفمند آفریده شده‌اند (همایون، ۱۳۹۸)، سیاست‌گذاری فرهنگی در این دیدگاه منطقه الفراغی برای خود متصور نخواهد بود؛ اما توجه به برخی حوزه‌ها برای سیاست‌گذاری اولویت خواهد داشت. توجه ویژه به دو نهاد علم و تربیت از ملزومات سیاستی در این رویکرد است. در نهاد علم چه در سطح آموزش و پرورش و چه در سطح آموزش عالی، باید سعی شود علوم مختلف از سلطه مبانی مادی‌گرایی رهایی یابد و چهارچوب طبقه‌بندی علوم و اولویت‌دهی آن مبتنی بر سنت اسلامی و مبانی توحیدی تدوین شود به‌طوری‌که نظام کلی اطلاعاتی که در نهایت در ذهن افراد پس از فارغ‌التحصیلی شکل می‌گیرد، تصویری توحیدی داشته باشد.



شکل (۱۰): دلالت‌های مبانی معرفتی تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر نسبت‌سنجی مطالعات تمدنی و سیاست‌گذاری فرهنگی از طریق واکاوی دلالت‌های بینش تمدنی در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی بود. باتوجه به اینکه پژوهش‌های زیادی نزدیک به موضوع پژوهش انجام نشده بود و باتوجه به روش‌شناسی جدید در این حوزه، این پژوهش به یافته‌های جدیدی در این زمینه دست یافته است. استخراج ۳۳ مفهوم حاصل کدگذاری باز، ۱۴ مقوله حاصل کدگذاری محوری و ۷ شاخصه حاصل کدگذاری انتخابی برای بینش تمدنی ازجمله یافته‌های جدید این پژوهش است. استفاده از بینش تمدنی در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی، اشاره به کاربست نگاه کلان و فراگیر تمدنی در تحلیل مسائل اجتماعی دارد که هم به مبانی معرفتی در پس این مسائل توجه داشته باشد، هم نظامات اجتماعی مختلفی که

پیرامون هر مسئله به صورت هماهنگ و پویا عینیتی تودرتو می‌یابد را مورد توجه قرار بدهد و هم از هویت معنایی که مسئله با خود خلق، اشاعه و ترویج می‌کند غافل نباشد.



شکل (۱۱): دلالت‌های بینش تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی

مقصود از سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر بینش تمدنی، کشف، شناخت و انتخاب راه‌حل مسائل فرهنگی در پرتو بینش تمدنی است. یعنی مسئله‌ای که سیاست‌گذار می‌خواهد وضع موجود آن را به سمت وضع مطلوب سوق دهد باید در پرتو چنین بینشی فهم و برای آن راه‌حل انتخاب شود. مهم‌ترین نکته در تحلیل تمدنی هر مسئله توجه به هویت معنایی آن مسئله است. اگر آن هویت معنایی درست فهم نشود، راه‌حلی هم که برای پاسخ به آن مسئله انتخاب و اجرا می‌شود، تصویر و تعین معنایی اشتباهی را بروز و ظهور خواهد داد. درواقع مدیریت تصویر و تعین معنایی تمدنی را می‌توان مهم‌ترین فرایند سیاست‌گذاری در پرتو بینش تمدنی قلمداد کرد.

پیشنهاها

باتوجه به اینکه پژوهش حاضر ناظر به کاربرست بینش تمدنی در سیاست‌گذاری فرهنگی است و بانظر به مفاهیم، مقولات و شاخصه‌های استخراجی در این زمینه می‌توان پیشنهادات نظری و کاربردی ذیل را جهت ارتقاء سطح سیاست‌گذاری فرهنگی در کشور مطرح نمود:

- ۱- صورت‌بندی مراحل سیاست‌گذاری فرهنگی ازجمله مسئله‌شناسی، انتخاب راه‌حل، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی مبتنی بر بینش تمدنی؛
- ۲- مسئله‌شناسی فرهنگی کشور و استخراج نظام مسائل و اولویت‌بندی آن‌ها مبتنی بر بینش تمدنی توسط جامعه علمی کشور؛
- ۳- حرکت به سمت الگوهای همگراکننده در سیاست‌گذاری فرهنگی توسط جامعه سیاسی؛
- ۴- تشکیل شورای ناظر بر تداخل ماموریتی سازمان‌های فرهنگی در شورای عالی انقلاب فرهنگی؛
- ۵- برگزاری همایش‌ها، میزگردها و جلسات کانونی با هدف اجماع نظر نخبگان و جامعه سیاسی ناظر به راه‌حل‌های مختلف مسائل فرهنگی توسط تمامی سازمان‌های فرهنگی؛
- ۶- تشکیل کارگروه ناظر به حفظ جهت‌گیری تمدنی در شناخت و پاسخ به مسائل فرهنگی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛
- ۷- گفتمان‌سازی رسانه‌ای توسط رسانه‌های مختلف خصوصاً رسانه ملی جهت ترویج استفاده از بینش تمدنی در تحلیل مسائل کشور؛
- ۸- افزایش کمی و کیفی مباحث تمدنی در کتب درسی جهت تربیت نیروی انسانی طراز تمدن نوین اسلامی.

کتابنامه

قرآن کریم.

اباذری، یوسف؛ شریعتی، سارا و فرجی، مهدی (۱۳۹۰). فراروایت تمدن یا فرایند تمدن‌ها؟ خوانشی از پروبلماتیک فرهنگ - تمدن. *تحقیقات ایران فرهنگی*، (۱۴).

ابراهیمی‌نژاد، مهدی (۱۳۷۹). *مدیریت استراتژیک در بازرگانی و صنایع*. تهران: سمت.

اجلالی، پرویز (۱۳۷۹). *سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران*. تهران: نشر آن.

امیدی، مهدی (۱۴۰۲). *مؤلفه‌های رویکرد تمدنی و تحلیل تمدنی از الگوی توحیدی منافع دولت اسلامی*. در بهمنی خدنگ، محمدرضا، مولائی آرانی، مهدی، چیستی رویکرد تمدنی؛ از عرصه نظر تا صحنه عمل. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۹). *تنوع و تمدن در اندیشه اسلامی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بارانی، محمدرضا و میرمحمدی، سید ضیاءالدین (۱۳۹۱). *درآمدی بر چیستی تمدن اسلامی از دیدگاه مستشرقان*. تاریخ/اسلام، (۵۰).

بهمنی خدنگ، محمدرضا و مولائی آرانی، مهدی (۱۴۰۲). *چیستی رویکرد تمدنی، از عرصه نظر تا صحنه عمل*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۴). *الگوی سیاست‌گذاری مناسبات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام با رویکرد تمدنی (سیاست پژوهی موردی: ایران و ترکیه)*. رساله دکتری، دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام).

بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۸). *عیار تمدنی جمهوری اسلامی ایران*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

پهلوان، چنگیز (۱۳۹۰). *فرهنگ‌شناسی: گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن*. تهران: قطره.

پی.آرانسون، یوهان (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی تمدن؛ مسائل تاریخی و سنت‌های نظری*. ترجمه سالار کاشانی، تهران: ترجمان علوم انسانی.

جمالی، مصطفی (۱۴۰۲). *شاخص‌های رویکرد تمدنی و تطبیق آن بر حادثه عظیم اربعین*. در بهمنی خدنگ، محمدرضا، مولائی آرانی، مهدی، چیستی رویکرد تمدنی؛ از عرصه نظر تا صحنه عمل. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

جهان‌بین، فرزاد و معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۳). *فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*. *مطالعات انقلاب اسلامی*، (۳۹)، ۲۹-۴۶.

- خانی، ابراهیم (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی حکمت متعالیه. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- خواجه سروی، غلامرضا و بیات، مرتضی (۱۳۹۶). سیاست‌گذاری رسانه مطلوب در جمهوری اسلامی ایران. *دین و ارتباطات*، (۵۲)، ۱۰۵-۱۳۱.
- غلامی، رضا (۱۳۹۶). *فلسفه تمدن نوین اسلامی*. تهران: سوره مهر.
- فیاض، ابراهیم (۱۳۸۵). تأثیر چگونگی تعریف فرهنگ بر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگ. *فرهنگ عمومی*، (۳).
- کوش، دنی (۱۳۹۷). *مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی*. ترجمه فریدون وحید، تهران: سروش.
- گوردن، کریستوفر و ماندی، سایمون (۱۳۸۳). *دیدگاه‌های اروپایی سیاست فرهنگی*. ترجمه هادی غبرائی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- گی‌روشه (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی (کنش اجتماعی / سازمان اجتماعی)*. ترجمه: زنجانی زاده، هما. تهران: انتشارات سمت.
- معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۴). *ظرفیت‌های تمدنی کنگره عظیم اربعین حسینی، مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین*. تهران: انتشارات سوره مهر.
- ملیوئیش، گرگوری (۱۳۹۵). *برخورد تمدن‌ها؛ مدلی برای توسعه تاریخی؟* ترجمه محمد ملاعباسی، در کتاب «*راه ناهموار تمدن*»، تهران: ترجمان.
- مهرابی، امیر حمزه؛ حنیفر، حسین؛ امیری، علی نقی؛ زارعی متین، حسن و جندقی، غلامرضا (۱۳۹۰). *معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه)*. مدیریت فرهنگ سازمانی، (۲۳)، ۵-۳۰.
- میرصادقی، سید مهدی (۱۳۹۰). *گذر و نظری بر تمدن‌ها*. تهران: پارسه.
- نوروزی فیروز، رسول و خاتمی، فضا (۱۳۹۹). *تمدنی و جهانی شدن*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- همایون، محمدهادی (۱۳۹۸). *چهلستون تمدن*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- همایون، محمدهادی و جعفری هفتخوانی، نادر (۱۳۸۷). *درآمدی بر مفهوم و روش سیاست‌گذاری فرهنگی؛ درس‌هایی برای سیاست‌گذاران*. اندیشه مدیریت، (۲).

Bedoy, R. (2004). US Cultural Policy: Its Politics of Participation, Its Creative Potential. National performance network.

Creswell, J. W. (2005). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research (2nd edition)*.

Gray, C. (2007). Commodification and instrumentality in cultural policy.

- International Journal of Cultural Policy*, 13(2), 203-215.
- Lee, J. (2001). A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebraska, In Proquest UMI Database.
- Neuman, Lawrence (1977). *Social research methods: qualitative and quantitative approaches* 3d. ed. Boston, Allyn and Bacon.
- Patton, M. Q. (1990). *Qualitative evaluation and research methods*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Powell, R. (1999). Recent trends in research: a methodological essay. *Library and Information Science Research*, 21(1), 91-119.
- Victoria Durrer, Toby Miller, Dave O'Brien (2018). *Global cultural policy*, London and newyork, routledge.
- Willfried Spohn (2011). World history, civilizational analysis and historical sociology: Interpretations of non-Western civilizations in the work of Johann Arnason. *European Journal of Social Theory*, 14(1), 23-39.
- <https://www.leader.ir>

References

- Al-Quran Al-Kareem.
- Abazari, Yousef, Shariati, Sara, Faraji, Mehdi (2011). The Meta-Narrative of Civilization or the Process of Civilizations? A Reading of the Culture-Civilization Problematic, *Iranian Cultural Research*, (14). (In Persian)
- Babaei, Habibollah (2019). Diversity and Civilization in Islamic Thought, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (In Persian)
- Bahmani Khadang, Mohammad Reza, Molaei Arani, Mehdi (2024). What is the civilizational approach, from the field of theory to the field of practice, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (In Persian)
- Bahmani, Mohammad Reza (2015). The Policy-Making Model of Cultural Relations between the Islamic Republic of Iran and the Islamic World with a Civilizational Approach (Case Study: Iran and Turkey). Ph.D Thesis, Baqir-al-Olum University. (In Persian)
- Bahmani, Mohammad Reza (2019). Civilizational Standard of the Islamic Republic of Iran, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (In Persian)
- Barani, Mohammad Reza, Mirmohammadi, Seyyed Zia al-Din (2012). An Introduction to the Nature of Islamic Civilization from the Perspective of Orientalists, *History of Islam*, 13th Edition, No. 50. (In Persian)
- Bedoy, R. (2004). US Cultural Policy: Its Politics of Participation, Its Creative Potential. National performance network.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. (In Persian)
- Creswell, J. W. (2005). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd edition).
- Ebrahimejad, Mehdi (1990). *Strategic Management in Commerce and Industry*, Tehran: Samt. (In Persian)

- Ejlali, Parviz (1990). Cultural Policy and Planning in Iran, Tehran: Ann Publishing. (In Persian)
- Fayyaz, Ibrahim (2006). The impact of how culture is defined on cultural planning and policy-making, Public Culture, No. 3. (In Persian)
- Gay Roche (2014). An Introduction to General Sociology (Social Action/Social Organization). Translator: Zanjani Zadeh, Homa. Tehran: Samt Publications.
- Gholami, Reza (2017). Philosophy of Modern Islamic Civilization, Tehran: Soure Mehr. (In Persian)
- Gordon, Christopher, Mundy, Simon (2004). European Perspectives on Cultural Policy, translated by Hadi Ghobraei, Tehran: Cultural Research Office. (In Persian)
- Gray, C. (2007). Commodification and instrumentality in cultural policy. International Journal of Cultural Policy, 13(2), 203-215. (In Persian)
- Homayoun, Mohammad Hadi (2019). Chehelsotun Tamadon, Tehran: Imam Sadegh University. (In Persian)
- Homayoun, Mohammad Hadi, Jafari Haftkhani, Nader (2008). An Introduction to the Concept and Method of Cultural Policy Making; Lessons for Policymakers, Management Thought, No. 2. (In Persian)
- Jahanbin, Farzad, Moeinipour, Masoud (2014). The process of realizing Islamic civilization from the perspective of Ayatollah Khamenei, Islamic Revolution Studies, (39), 29-46. (In Persian)
- Jamali, Mustafa (2024). Indicators of the Civilizational Approach and Its Application to the Great Arbæen Incident. In Bahmani Khadang, Mohammad Reza, Molaei Arani, Mehdi, What is the Civilizational Approach? From the Field of Theory to the Field of Action. Qom: Islamic Science and Culture Research Institute. (In Persian)
- Khajeh Sarvi, Gholamreza, Bayat, Morteza (2017). Desirable Media Policymaking in the Islamic Republic of Iran, Religion and Communications, (52), 105-131. (In Persian)
- Khani, Ebrahim (2016). Sociology of Transcendent Wisdom, Tehran, Imam Sadeq University Press. (In Persian)
- Koosh, Danny (2018). The Concept of Culture in Social Sciences, translated by Fereydoun Vahida, Tehran: Soroush. (In Persian)
- Lee, J. (2001). A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebreska, In Proquest UMI Database.
- Mehrabi, Amir Hamzeh, Hanifar, Hossein, Amiri, Ali Naghi, Zarei Matin, Hassan, Jandaghi, Gholam Reza (2011). Introducing Grounded Theory Methodology for Islamic Research (Presenting an Example). Organizational Culture Management, (23), 5-30. (In Persian)
- Melviysh, Gregory (2016). The Clash of Civilizations; A Model for Historical Development? Translator: Mullah Abbasi, Mohammad, in the book "The Rough Road of Civilization", Tehran: Tarjuman. (In Persian)
- Mirsadeghi, Seyyed Mehdi (2011). Transition and a view on civilizations, Tehran: Parse. (In Persian)
- Moeinipour, Masoud (2015). Civilizational Capacities of the Great Arbæen Congress of Hussein, Civilization, Rationality, Spirituality in the Context of

- Arbaeen, Tehran: Soure Mehr Publications. (In Persian)
- Neuman, Lawrence (1977). social research methods :qualitative and quantitative approaches 3d. ed. Boston, Allyn and Bacon.
- Nowrozi Firuz, Rasoul, Khatami, Fazeh (2019). Civilization and Globalization, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (In Persian)
- Omidi, Mahdi (2024). Components of the Civilizational Approach and Civilizational Analysis of the Monotheistic Model of the Interests of the Islamic State. In Bahmani Khadang, Mohammad Reza, Molaei Arani, Mehdi, What is the Civilizational Approach? From the Field of Theory to the Field of Action. Qom: Islamic Science and Culture Research Institute. (In Persian)
- Pahlavan, Changiz (2011). Philology: Discourses on Culture and Civilization, Tehran: Ghatra. 2018
- Patton, M. Q. (1990). Qualitative evaluation and research methods, Thousand Oaks, CA: Sage
- Powell, R. (1999). Recent trends in research: a methodological essay. Library and Information Science Research, 21(1), 91-119.
- Victoria Durrer, Toby Miller, Dave O'Brien (2018). global culturel policy, London and newyork, routledge.
- Willfried Spohn (2011). World history, civilizational analysis and historical sociology: Interpretations of non-Western civilizations in the work of Johann Arnason. European Journal of Social Theory, 14(1), 23–39.
- <https://www.leader.ir>

